

آداب معاشرت

نوشته: محبت شاه گوهری

اول سپتمبر ۲۰۱۴



احساس نیاز به معاشرت صمیمانه و همدلی و همراهی با دیگران، علاوه بر این که یکی از جلوه های زندگی اجتماعی به شمار می رود، ندایی برخاسته از اعماق وجود انسان است. زیرا انسان، موجودی اجتماعی است که ارتباط و انس با دیگران از ضروریات زندگی او به شمار می رود. انسان بعد از تولد در محیط های مختلف قرار می گیرد. هر محیطی به گونه ای در رشد و شکوفایی استعداد های انسان مؤثر است، اجتماع یکی از این محیط ها به شمار می آید. بدون ارتباط با دیگران، بخشی از استعداد های انسان شکوفا نمی شود. آداب رابطه با دیگران، برزدهنده ای شخصیت و اخلاق افراد است. و انسان بدون آگاهی از اخلاق و آداب اجتماعی و عمل به آنها زندگی تلخ، ناموفق و آسیب پذیری دارد.

آن چه فرد و جامعه را به مقامات عالی انسانی می رساند، اخلاق نیکوست. اخلاق نیکو هم فقط خوش اخلاقی با مردم نیست؛ بلکه به معنای پروراندن صفات نیکو و خلقیات فاضله در دل و جان خود و انعکاس آنها در عمل خود است.

اساس معاشرت بین انسان ها احترام و محبت متقابل است یعنی هر دو موظف هستند به هم احترام گذاشته و با محبت با هم رفتار نمایند. هرکسی در زندگی به دنبال دریافت تایید از اطرافیان خود است و مایل است ارزش واقعی او را بشناسند، همه انسانها دوست دارند از نظر دیگران مهم و با ارزش باشند نکات چند پیرامون آداب معاشرت تهیه و ترتیب نمودم که قرار ذیل است:

1- آداب نشستن

از آداب معاشرتی که در قرآن کریم مورد تاکید واقع شده این است که در مجالس طوری بنشینند که اگر تازه واردی آمد، جای نشستنش باشد. معمولاً مجالس ظرفیت محدودی دارد و اگر همه افراد بخواهند آزاد

و راحت بنشینند ممکن است جا برای دیگران تنگ بشود. خداوند می فرماید: « و اذا قيل انشزوا فانشزوا » بعضی از مفسران گفته اند که منظور این است که اگر شخص محترمی وارد شد و به شما گفته شد بلند شوید و جای خود را به او بدهید این کار را انجام بدهید و در ذیل آیه دارد: « یرفع الله الذین آمنوا مینکم والذین اتوا العلم درجات » این میتواند مؤیدی برای این تفسیر باشد که در بین شما کسانی هستند که مزایایی دارند و احترامشان برای شما لازم است از جمله مؤمنین خالص و علمای ربانی که نزد خدا محترمند و خدا آنها را بلند مرتبه قرار می دهد.

2- گوش سپردن به سخن

یکی دیگر از آدابی که از سیره پیغمبر -صلی الله علیه و اله و سلم- استفاده می شود و در قرآن کریم هم به آن اشاره شده نکته ای است که خیلی مهم است. سیره پیغمبر اکرم این بود که به همه حرفها درست گوش می دادند و اگر حرف دیگران هم صحیح نبود به رویشان نمی آوردند، بعد از شنیدن نمی فرمود: تو دروغ می گویی یعنی می خواهی خلاف واقع بگویی، ولی اگر آن مطلب احتیاج به تحقیق داشت آن را تحقیق می کرد که آیا درست است یا نه. ولی منافقان این کار را بر پیغمبر عیب می دانستند و می گفتند: این شخص، فقط گوش و «اذن» و هر کس هر چیز می گوید گوش می کند. در آیه 61 سوره توبه می فرماید: « ومنهم الذین نودون النبی و یقولون هو اذن ». و از این آیه میتوان استفاده کرد که سایر رهبران و کسانی که مرجع مردم هستند باید در برخورد شان با دیگران این طور باشند وقتی کسی حرفی به ایشان می زند درست گوش بدهند و قیافه شان قیافه کسی باشد که او را تصدیق میکند اما معنایش این نیست که ترتیب اثر هم به حرف طرف بدهند.

3- صحبت در گوشی (نجوا)

یکی دیگر از مسائلی که در معاشرت ها مطرح می شود و در چند مورد در قرآن کریم به آن اشاره شده نجوا و در گوشی صحبت کردن است. در جمعی که افراد مختلفی حضور دارند اگر دو نفر با هم خصوصی و در گوشی صحبت کنند طبعاً موجب رنجش دیگران می شود و در دلشان می گویند چرا مطلبی را می خواهند از ما پنهان کنند و ما را نا محرم حساب می کنند؟

4- حسن ظن به دیگران

یکی از عواملی که زمینه مساعد برای ارتباط سازنده با دیگران را فراهم می کند خوش گمانی به دیگران است. بد گمان بودن عاملی مخرب در روابط است و موجب سردی روابط اعضای جامعه می باشد. در قرآن کریم بد گمانی نسبت به دیگران را نهی فرموده است: یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم؛ [1] ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمان ها بپرهیزید که پاره ای از گمان ها خطاست.

گمان بد مربوط به جایی است که ظواهر رفتار کسی را با آن چه در باطن دارد متفاوت بدانیم، ظاهر نیک او را نپذیریم و گمان کنیم باطن او علی رغم ظاهر صالحی که دارد نا صالح است. بد گمانی مانع ادای حقوق دیگران است. بنا بر این بدگمانی دو اثر نامطلوب خواهد داشت: نخست این که شخص بدگمان از ادای تکلیف خود نسبت به دیگران باز می ماند و به این سبب از کمال انسانی خود دور می افتد و

دوم آن که روابط اجتماعی دشوار و سرد می شود. به دلیل آثار سوپی که بدگمانی دارد اسلام، انسان را به حسن ظن دعوت می کند.

امیرالمومنین (ع) فرمودند:

چون نیکو کاری بر زمانه و مردم آن غالب آید و کسی به دیگری گمان بد برد که از او فضیحتی آشکار نشده ستم کرده است و اگر بدکاری بر زمانه مردم آن غالب شود و کسی به دیگری گمان نیک برد خود را فریفته است. [2]

5- همدلی و خیرخواهی

کسی که بدگمانی را از خود دور می کند، دیگران را همچون خود ویا بهتر از خود می داند. این احساس موجب میشود انسان ها به یکدیگر نزدیک شوند و خیرخواه هم باشند، از خوشحالی دیگرشادمان شوند و از بدحالی آنها اندوهگین گردند. انسان خوب آن چه را بر خود نمی پسندد بر دیگران نیز نمی پسندد و آن چه را برای خود نیک می شمارد برای دیگران نیز نیک می داند.

امیرالمومنین (ع) فرمودند:

پسر عزیزم! خود را و دیگران را میزان بشمار پس آن چه برای خود دوست می داری برای جز خود دوست بداری و آن چه تو را خوش نیاید برای غیر نا خوش شمار و ستم مکن چنان که دوست نداری بر تو ستم رود و نیکی کن چنان که دوست می داری به تو نیکی کنند، آن چه را از جز خود زشت می داری برای خود زشت بدان و از مردم برای خود آن را بپسند که از خود در حق آنان می پسندی. [3]

6- خوش خلقی و حسن سلوک با دیگران

اخلاق نیکو و حسن سلوک با مردم، روابط اجتماعی را تقویت می کند. در این حال محبت بر روابط حکومت خواهد کرد و نیاز به قانون و قاضی اندک خواهد شد.

شادمانی مؤمن در رخسار اوست و اندوه وی در دلش. [4] مؤمن به تعبیر امیرالمؤمنین (ع) «سهل الخلیقه» یعنی آرام خوی است و از پرخاش و تندوی پرهیز می کند.

7- فروتنی و احترام به دیگران

تواضع حالتی درونی است که نمی گذارد انسان خود را از دیگران برتر ببیند و احترام و به بزرگداشت دیگران می انجامد. تواضع و فروتنی در برابر دیگران موجب خشنودی خداوند است و در دنیا بزرگی و عزت می آورد.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

ما تواضع احد الله الا رفعه الله؛ [5] هیچ کس برای خدا فروتنی نکرد جز آن که خداوند او را بلند مرتبه داشت.

خداوند بندگان خویش را به سبب فروتنی ستود آنگاه فرمود: و عبادالرحمان الذین یمشون علی الارض هونا؛ [6] و بندگان خدای رحمان آنانند که روی زمین به نرمی گام بر می دارند. و نیز خداوند پیامبر بزرگوارش را به این خُلق نیکو امر فرمود: برای مؤمنانی که تو را پیروی کردند بال گستر و فروتنی کن. [7]

امیرالمؤمنین (ع) تواضع برای رسیدن به مطاع دنیای را نکوهش کرده اند و آن را موجب تخریب دین دانسته اند. و آن که نزد توانگر رفت و به خاطر مال و دارایی وی در برابرش فروتنی کرد دو ثلث دینش را به باد داد. [8]

[1] حجرات، ص 12.

[2] نهج البلاغه، قصار الحكم ص 114.

[3] همان، الكتاب، ص 31.

[4] نهج البلاغه، قصار الحكم، ص 333.

[5] جامع السعادات، ج 1، ص 395.

[6] فرقان، ص 63.

[7] شعراء، ص 215.

[8] نهج البلاغه، قصار الحكم، ص 228

بالاحترام

محبت شاه گوهری